

## پژوهشی درباره آیین سوگند خوردن (وَر) در قوم بختیاری

علیرضا خواجه‌گیر\* امحسن گنجی<sup>۲</sup> حسن ذوالفقاری<sup>۳</sup> محمود آفاخانی بیژنی<sup>۴</sup>

(دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۶)

### چکیده

آیین سوگند خوردن از دیرباز تاکنون در فرهنگ و ادب به طریق گوناگون نمود یافته است. در این پژوهش به تحلیل نموده‌های آیین سوگند خوردن در قوم بختیاری می‌پردازیم. سوگند به آتش، اجاق آتش، تیغه آفتاب، آب روان، نان‌ونمک، زمان، جان عزیزان و اموات از مهم‌ترین جلوه‌های سوگند خوردن در نزد قوم بختیاری است. اهمیت سوگند خوردن در نزد این قوم، آخرین راهکار برای اثبات درستی کلام و تشخیص درستکار از نادرستکار است. در این پژوهش، ضمن بررسی انواع سوگند در قوم بختیاری، برآنیم تا نموده‌های ادبی و جنبه‌های اساطیری آن‌ها را تحلیل و بررسی کنیم. این پژوهش به شکل بنیادی، بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای - میدانی و به روش تحلیل محتوای کیفی انجام شده است. پس از بررسی منابع گوناگون و تحلیل نموده‌های ادبی و اساطیری سوگند خوردن در قوم بختیاری می‌توان گفت که بسیاری از نموده‌های آیین سوگند خوردن در قوم بختیاری بازمانده آیین‌های سوگند خوردن در ایران باستان است. همچنین، سوگند به آتش، نان‌ونمک، زمان، آب روان، آفتاب و جان عزیزان از

۱. استادیار گروه ادیان و عرفان تطبیقی دانشگاه شهرکرد (نویسنده مسئول).

\*a.khajegir1350@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات معاصر دانشگاه شهرکرد.

۳. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس تهران.

۴. دانش‌آموخته دکتری ادبیات حماسی دانشگاه اصفهان

مهم‌ترین و رایج‌ترین نمودهای سوگند در نزد این قوم است که جنبه‌های ادبی و اساطیری بسیاری دارند. سوگند خوردن در نزد این قوم برای اثبات درستی کلام و تشخیص حق از باطل است.

**واژه‌های کلیدی:** فرهنگ عامه، قوم بختیاری، بن‌مایه‌های اساطیری، آیین ور، سوگند خوردن.

### ۱. مقدمه

از آیین‌های دادرسی از دیرباز تاکنون، نزد قوم بختیاری، آیین سوگند خوردن است. آیین سوگند خوردن نزد این قوم، از جمله آزمون‌های تشخیص درستکار از نادرستکار است که سابقه‌ای طولانی دارد و به ایران باستان و ماقبل آن می‌رسد که «در میان آریایی‌ها مشترک بوده است و در آن، بی‌گناه از گناهکار طی برگزاری آیین ویژه‌ای تشخیص داده می‌شده است» (ویدن‌گرن، ۱۳۷۷: ۵۸). این آیین در ایران باستان انواع متنوعی دارد که در *اوستا* و دیگر متون به زبان پهلوی مانند *ارداویراف‌نامه*، دینکرد و *شایست‌نشایست*، به داستان‌های مربوط به آن اشاره کرده‌اند. از مهم‌ترین انواع سوگند در ایران باستان می‌توان به «گرمک ور» (ور گرم)، «برسمک ور» (ور با برسم)، «ور روغن»، «ور دستان سرشار»، «ور شیره گیاه» و «ور پاوروخوران» (خوردن آب گوگرد) اشاره کرد (پورداوود، ۱۳۲۱: ۲۸۵).

انتخاب قوم (یا ایل) بختیاری برای انجام این پژوهش به دو دلیل است: نخست بررسی میدانی در مناطقی که هنوز دست‌نخورده باقی مانده‌اند، نشان می‌دهد که باورهای اساطیری و آیینی پس از قرن‌ها همچنان زنده است و با اندکی تغییر و تحول به حیات خود ادامه می‌دهند. بنابراین، در قوم بختیاری، با وجود کوهستان‌های صعب‌العبور، بافت اساطیری و آیین‌های کهن همچنان شکل اولیه خود را حفظ کرده و کمتر دچار تعقیر شده‌اند و دوم آنکه، قوم بختیاری یکی از قوم‌های اصیل ایرانی و از طوایف بزرگ ایران-زمین است که درحقیقت، زبانشان، همان زبان تحریف‌شده پهلوی قدیم است و از اقوامی هستند که در اعصار گذشته در این منطقه از جهان اقامت گزیده‌اند و از یک نژاد ممتاز هستند (بختیاری، ۱۳۶۲: ۵). همچنین، فرهنگ بومی آنان سرشار از بن‌مایه‌های اسطوره‌ای و آیینی است. در فرهنگ این قوم، آیین‌ها و جشن‌هایی وجود دارد که هم

پژوهشی درباره آیین سوگند خوردن (وَر) در قوم بختیاری \_\_\_\_\_ علیرضا خواجه‌گیر و همکاران

ریشه در ایران باستان دارد و هم با فرهنگ اسلامی منطبق شده‌اند و امروزه به حیات خود ادامه می‌دهند (ر.ک: قنبری‌عدیوی، ۱۳۸۱: ۴۰).

آشنایی با برگزاری آیین سوگند خوردن و بن‌مایه‌های اساطیری آن در قوم بختیاری، چگونگی استمرار نموده‌های این آیین از ایران باستان تاکنون و بیان چرایی انجام آن، از جمله ضرورت‌های انجام این پژوهش است. آشنایی با تحلیل انواع سوگند، کارکرد و چگونگی کیفیت نموده‌های ادبی و جنبه‌های اساطیری آن در فرهنگ و ادب قوم بختیاری، هدف اصلی این پژوهش است.

## ۲. روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، از نظر هدف بنیادی و از حیث گردآوری داده‌ها، بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای - میدانی و به روش تحلیل محتوای کیفی و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته انجام شده است؛ زیرا پژوهشگر داده‌های پژوهشی خود را درباره نموده‌های آیین سوگند خوردن (وَر) همراه با تحلیل بن‌مایه‌های اسطوره‌ای آن‌ها در قوم بختیاری، علاوه بر استفاده از منابع و اسناد کتابخانه‌ای، در شیوه میدانی از روش مصاحبه با افرادی از مردمان چهارمحال و بختیاری و خوزستان در جمع‌آوری اطلاعات موردنظر استفاده کرده است.

**مراحل انجام پژوهش:** در این پژوهش و در گام نخست، موضوع مورد نظر با اهداف منطقی و علمی، انتخاب و در گام دوم، با بررسی ادبیات، منابع و اسناد مرتبط با موضوع پژوهش، مؤلفه‌های متناسب با نموده‌های آیین سوگند خوردن و توجه به بن‌مایه‌های اسطوره‌ای آن‌ها در فرهنگ قوم بختیاری شناسایی شد. در گام سوم، با اتخاذ رویکرد پژوهش مبتنی بر روش تحلیل محتوای کیفی، ویژگی‌ها و مقوله‌های مربوط به نموده‌های آیین سوگند خوردن در فرهنگ این مردمان در پژوهش استخراج و درنهایت، در گام چهارم، با ادغام و تلفیق مقوله‌های مشابه، مؤلفه مناسب تحلیل، استخراج و مفهوم‌سازی شده است. ابزار گردآوری داده‌ها، فیش‌برداری سنتی و خوانش موجی شکل (ر.ک: صادقی‌فسایی و عرفان‌منش، ۱۳۹۴: ۷۵) و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته در ارتباط با

نمودهای آیین سوگند خوردن در فرهنگ قوم بختیاری است. شیوه گردآوری داده‌ها به دو صورت کتابخانه‌ای و مصاحبه بوده است.

**روش کتابخانه‌ای:** در روش پژوهش، محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی - محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند و طراحی الگوهای شناخته‌شده دانست (ایمان، ۱۳۸۸: ۱۷۲). تحلیل محتوای کیفی به پژوهشگران اجازه می‌دهد اصالت و حقیقت داده‌ها را به‌گونه ذهنی؛ ولی با روش علمی تفسیر کنند. همچنین، تحلیل محتوای کیفی به فراسویی از کلمات یا محتوای عینی متون می‌رود و تم‌ها یا الگوهایی را که آشکار یا پنهان هستند به‌صورت محتوای آشکار می‌آزماید (همان، ۱۷۵).

**روش میدانی:** مصاحبه‌های میدانی بیشتر در روستاهای استان‌های چهارمحال و بختیاری و خوزستان درباره نمودهای آیین سوگند خوردن و نحوه برگزاری آن‌ها انجام شده است. نخست، پژوهشگر به روستاهای شهرستان‌های کوه‌رنگ، لردگان، اردل، ایذه، مسجدسلیمان و باغ‌ملک که کوهستانی و دارای قدمت بیشتری بوده‌اند و هنوز بافت قدیمی آنان دست‌نخورده باقی‌مانده بود، سفر کرده و داده‌های میدانی خود را درباره نمودهای آیین سوگند خوردن با مصاحبه با مردمان این قوم - که بیشتر سال‌خورده بوده‌اند - جمع‌آوری کرده است. ابتدا، پژوهشگر پرسش‌هایی مربوط به چگونگی برگزاری آیین سوگند خوردن از افراد شناسایی شده (۲۱ نفر) که سواد قدیمی داشتند یا ملاً خوانده می‌شدند، می‌پرسد. سپس گفتار افراد مصاحبه‌شده را ضبط می‌کند. میانگین زمان مصاحبه‌ها بین ۲۰ تا ۳۰ دقیقه بوده است. در ادامه، تمام مصاحبه‌های افراد مصاحبه‌شونده را کدگذاری کرده و از گویش لری بختیاری به زبان فارسی برگردانده و مطالب مهم و مرتبط با چگونگی نمودهای آیین سوگند خوردن و نیز نحوه برگزاری آن‌ها را یادداشت‌برداری کرده است. پس از اتمام این مرحله، به تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده پرداخته است.

**جامعه آماری پژوهش:** جامعه آماری این پژوهش، تعداد ۲۱ تن از ملاحی قوم بختیاری از روستاهای استان‌های چهارمحال و بختیاری و خوزستان هستند. معمولاً این ملاحی خود از برگزارکنندگان آیین سوگند خوردن هستند و بیشتر بالای ۶۰ سال سن

پژوهشی درباره آیین سوگند خوردن (ور) در قوم بختیاری \_\_\_\_\_ علیرضا خواجه گیر و همکاران

دارند. ملاک‌های ورود برای انتخاب مصاحبه‌شوندگان به شرح زیر است: آن‌ها باید از برگزارکنندگان یا شرکت‌کننده در آیین سوگند خوردن باشند، بالای ۵۰ سال سن داشته باشند و علاقه‌مند برای شرکت در پژوهش و انجام مصاحبه باشند.

**روش نمونه‌گیری** در این پژوهش، از نوع هدفمند بوده است. به‌جای به‌دست آوردن اطلاعات از کسانی که به‌راحتی در دسترس قرار می‌گیرند، گاهی اوقات ممکن است ضرورت یابد که اطلاعاتی از افراد یا گروه‌های خاص به‌دست آورد؛ یعنی انواع خاصی از افراد که قادر به ارائه اطلاعات مورد نظر ما هستند؛ زیرا آن‌ها تنها افرادی هستند که می‌توانند چنین اطلاعاتی ارائه دهند یا با برخی از معیارهایی که محقق تدوین کرده است، مطابقت دارند. بدین ترتیب، بر اساس قضاوت‌های پژوهشگر، افراد متخصص و خبره که در برگزاری آیین سوگند خوردن برجسته هستند؛ یعنی ملاحظاتی بختیاری، شناسایی شده و از آن‌ها مصاحبه به عمل خواهد آمد. علاوه بر روش نمونه‌گیری هدفمند در جریان مصاحبه‌ها، از نمونه‌گیری زنجیره‌ای «Chain Sampling» استفاده می‌شود (گال و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۹۳). در این شیوه، با افراد مطلع مشورت می‌شود تا موارد مناسب تحقیق را معرفی کنند. برای پژوهش کیفی نمونه بسیار بزرگ یا کوچک توصیه نشده است؛ بلکه حصول معیارهایی مانند اشباع داده‌ها و تکرار اطلاعات کفایت حجم نمونه را نشان می‌دهد (همان، ۳۹۸).

**روش تجزیه و تحلیل داده‌ها:** داده‌های پژوهش به‌صورت تحلیل محتوای کیفی و مقوله‌بندی مصاحبه‌ها انجام شده است. به‌منظور رعایت ویژگی‌های کیفی پژوهش از سه ملاک قابل قبول بودن، تأییدپذیری و قابلیت اطمینان به‌صورت ذیل استفاده شد. در مورد ملاک قابل قبول بودن، رونوشت مصاحبه و گزارش پژوهش برای شرکت‌کنندگان ارسال شد تا موافقت یا مخالفت آن‌ها با مطالب و یافته‌های ذکرشده مشخص شود. به‌منظور تأیید قابلیت اطمینان یافته‌ها، تلاش شد تا فرایندها و تصمیم‌گیری‌های مربوط به پژوهش به‌طور مستند و روشن در متن پژوهش توضیح داده شود. در مورد ملاک تأییدپذیری نتایج، سعی شده تا با توضیح جزئیات کافی از فرایند جمع‌آوری داده‌ها، تأییدپذیری یافته‌ها (حسابرسی پژوهش) تأمین شود.

### ۳. پیشینه پژوهش

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده و جست‌وجوهای کتابخانه‌ای در مجلات و سایت‌های معتبر علمی از جمله [Noormags.com](http://Noormags.com), [sid.ir](http://sid.ir), [magiran.com](http://magiran.com) and [irandoc.ir](http://irandoc.ir) تاکنون درمورد آیین سوگند خوردن در قوم بختیاری، مطالعات و پژوهش‌هایی انجام نگرفته است؛ اما برخی از پژوهش‌ها به آیین سوگند خوردن در فرهنگ ایران باستان، فرهنگ دیگر اقوام و متون ادب فارسی پرداخته‌اند که به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. «سوگند» از ابراهیم پورداوود (۱۳۲۱). مجله مهر/ایران. سال ۷. شماره ۵ و ۶. صفحات ۲۸۱ - ۲۹۲. در این پژوهش نویسنده به سوگند خوردن و نمودهای آن در ایران باستان بر اساس یشت‌های *اوستا* اشاره می‌کند و به دو نوع ور گرم و ور سرد پرداخته است.

۲. «سوگند و ردپای آن در ادبیات پارسی» از علی رهبر (۱۳۴۸). مجله کاوه. شماره ۲۱. صفحات ۱۲۴ - ۱۳۵. در این پژوهش نویسنده ضمن ریشه‌شناسی عمل سوگند خوردن، به چگونگی انجام آیین سوگند خوردن یا همان خوردن آب گوگرد (سئوکتته) اشاره می‌کند و از متونی همچون *شاهنامه* نیز مثال‌هایی را ذکر می‌کند.

۳. «بررسی آیین‌های اساطیری داوری ایزدی در ایران باستان» از سعید زاویه و آمنه مافی تبار (۱۳۹۲). فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی. سال ۹. شماره ۳۰. صفحات ۱۰۱ - ۱۲۸. نویسندگان در این پژوهش به تحلیل گذر سیاوش و ور گرم در *شاهنامه* می‌پردازند. درنهایت، چنین نتیجه می‌گیرند که گذر سیاوش از آتش نمونه‌ای از ور گرم در ایران باستان بوده است.

۴. «سوگند در شاهنامه و ارتباط اساطیری آن با آب و آتش» از دریا حیدری (۱۳۹۲). پژوهش‌نامه ادب حماسی. سال ۹. شماره ۱۶. صفحات ۳۵ - ۶۱. نویسنده ضمن پرداختن به آیین سوگند خوردن، به دو عنصر آب و آتش و نمودهای بازتاب داده‌شده از آن در *شاهنامه* می‌پردازند. گذر سیاوش از آتش را نمود ور گرم و گذر فریدون از آب را نمود ور سرد در نظر می‌گیرند.

۵. «محاكمه و داوری ور در ایران باستان» از والا تاراپور. ترجمه هاشم رضی (۱۳۶۰). مجله چیستا. شماره ۵. صفحات ۵۵۴ - ۵۷۵. نویسنده به تحلیل نمودهای آیین

پژوهشی درباره آیین سوگند خوردن (وَر) در قوم بختیاری \_\_\_\_\_ علیرضا خواجه‌گیر و همکاران

ور از جمله ور گرم و سرد در ایران باستان و بر اساس یشت‌های *اوستا* و نیز ماجرای گذر سیتا از آتش پرداخته است.

۶. «پژوهشی درباره آیین ور در بلوچستان» از عبدالغفور جهاندیده (۱۳۹۶). مجله فرهنگ و ادبیات عامه. سال ۵. شماره ۱۶. صفحات ۱۹ - ۳۸. در این پژوهش نویسنده به چگونگی برگزاری آیین ور در میان مردمان سیستان پرداخته و به این نتیجه رسیده است که سوگند به آتش و آب بیشتر معمول است. از میان ورهای گرم، سه نمونه آن متداول‌تر است: چاله پر از زغال افروخته و راه رفتن بر آن، در دست گرفتن فلزی سرخ و آتشین مانند نعل و درآوردن انگشتی از ته ظرف پر از روغن جوشان با دست. در این پژوهش، ابتدا از آیین سوگند خوردن و نموده‌های آن در میان قوم بختیاری سخن می‌رود و سپس با استفاده از گزارش‌های انسان‌شناسان و همچنین، مشاهده‌ها و مصاحبه‌های میدانی، جنبه‌های اسطوره‌ای، باستانی و ادبی این آیین معرفی می‌شود.

#### ۴. آیین ور یا سوگند خوردن در قوم بختیاری

«وَر» در *اوستا* «وَرَنگَه» (Varangha) از ریشه «وَر» به معنی برگزیدن و باور کردن و مصمم شدن (پورداوود، ۱۳۲۱: ۲۸۱)، بازشناختن، اعتقاد داشتن و کلمه «باور» فارسی از همین ریشه است (معین، ۱۳۸۴: ۱۷۷) و اصطلاحاً هم به معنای داوری یا آزمایش ایزدی (عفیفی، ۱۳۷۴: ۶۳۴) است.

ور را چنین تعریف کرده‌اند: آزمایش ایزدی است.

هرگاه در ادعای کسی در راستی یا دروغ گفتاری و شهادتش شک بود، طرف برای اثبات راستی در ادعا و گفتار، طی تشریفاتی گردن به اجرای ور می‌نهاد و با آن صحت و سقم ادعا و حقانیت در ادعا ثابت می‌شد (وندیداد، ۱۳۷۶: ۵۳۲).

آزمایش‌های متنوعی که همپتکاران<sup>۱</sup> (یا پیشمار و پسمار) طی آن می‌بایستی راست‌گویی خود را به اثبات برسانند و خویشان را از تهمت بزهکاری بزدایند (پورداوود، ۱۳۲۱: ۲۸۱). در ادامه، به مهم‌ترین نموده‌های آیین سوگند خوردن در قوم بختیاری می‌پردازیم.

#### ۴ - ۱. سوگند خوردن به قرآن کریم و مقدسات

قرآن در نزد قوم بختیاری دارای اهمیت بسیار بالایی است و معمولاً در آخرین راهکار به آن سوگند می‌خورند؛ اما طبق مصاحبه‌های میدانی، بیشتر معتقدند که سوگند خوردن به قرآن چه حق و چه ناحق خوب نیست (کدهای ۱۸، ۱۵، ۱۱، ۲، ۱) و با توجه به آیه ۲۴۴ سوره بقره<sup>۲</sup> سزاوار نمی‌دانند که در همه موارد به این کتاب آسمانی سوگند بخورند. با توجه به چنین باوری در نزد این قوم، باز به این کتاب مقدس در آزمون لقمه‌گیر - که در ادامه به آن خواهیم پرداخت - سوگند می‌خورند. در موارد خاص و به‌خصوص در دادگاه نیز به این کتاب الهی قسم می‌خورند.

نمود دیگر از سوگند خوردن به مقدسات در قوم بختیاری، سوگند به اوستاست. آن‌ها هر چند در گذشته به این کتاب مقدس نیز سوگند می‌خورند و چنین سوگندی برای آنان اهمیت بسیار بالایی داشته است؛ اما امروزه سوگند خوردن به اوستا در نزد این قوم دیگر نمودی ندارد. جالب آنکه در برخی از روستاهای دورافتاده در شهرستان‌های لردگان و کوه‌رنگ سوگند خوردن به اوستا و بیشتر از سوی پیرزنان و پیرمردها هنوز هم رایج است.

سوگند به امامان و امام‌زاده‌ها از دیگر نموده‌های سوگند خوردن نزد قوم بختیاری است. در چنین مواردی بیشتر علاوه بر زبانی، عملی بوده است که به رسم آن‌ها اشاره می‌کنیم. برای مثال، وقتی شخصی میزانی هیزم در کوه جمع می‌کند، تعداد هفت‌سنگ از بزرگ به کوچک بر روی آن‌ها می‌گذارد و این مال را به یکی از امامان یا امام‌زاده‌ها واگذار می‌کند. این عمل می‌تواند در مورد سنگ، کاه، علوفه و یا هر چیز دیگری باشد. چنین عملی نزد قوم بختیاری را «کَلِکَلِه بَرْد» (kelkeleh bard) گویند (کد ۱۳). افراد با دیدن چنین سنگ‌هایی دیگر جرئت دست زدن به آن مال را ندارد؛ زیرا معتقدند که هر گونه تجاوز به این سوگند عذابی سخت برای آنان به همراه دارد (کدهای ۱۳، ۱۴). از نموده‌های سوگند «کَلِکَلِه بَرْد» چنین است:

«کَلِکَلِه بَرْدِش کَرْدَم بَه حَضْرَت عَلِی<sup>(ع)</sup>»

kelkeleh bardesh kardom fi hazrate ali

برگردان: «واگذارش کردم به حضرت علی<sup>(ع)</sup>».



پژوهشی درباره آیین سوگند خوردن (وَر) در قوم بختیاری \_\_\_\_\_ علیرضا خواجه گیر و همکاران

طبق مصاحبه‌ها و مشاهده‌های میدانی، نکته مهم چنین است که سوگند «کلکله برد» بیشتر به امام‌زاده‌هایی که قبرشان در محل زندگی آنان است و همچنین، حضرت علی<sup>(ع)</sup> و حضرت ابوالفضل<sup>(ع)</sup> است (کدهای ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۵). سوگند به شهیدان نیز در میان مردمان بختیاری، امری بسیار رایج است و بیشتر از سوی زنان انجام می‌گیرد.

#### ۴ - ۲. سوگند به آتش و اجاق آن

آتش به‌عنوان عنصری طبیعی از دیرباز تاکنون نزد بختیاری‌ها دارای اهمیت فراوانی است و دارای دو وجه کارکردی است: نخست. کارکرد مثبت. در بختیاری‌ها هرگاه زوجی جوان قصد ازدواج دارند، خرمنی از آتش فراهم می‌کنند و پس از برافروختن آن، عروس را به گرد آتش می‌چرخانند؛ زیرا «معتقدند که حرمت آتش سبب زایایی زنان و باروری عروس می‌شود و اهریمن نازایی از گرد او می‌گریزد» (کد ۱۵). از سوی دیگر نمادی از زایش نور و افزون شدن نیروهای نور علیه ظلمت قلمداد می‌شود.

زوج پس از آنکه به خانه‌ای مستقل می‌روند، چاله‌ایی در بهترین نقطه خانه یا سیاه‌چادر انتخاب و آتشدان یا همان چاله را در آن نقطه برقرار و آتش را روشن می‌کنند، به نشان آنکه اهریمن به گرد بام این خانه نچرخد (کدهای ۱۹، ۱۲، ۱۵).

از سوی دیگر هیچ‌گاه در شب اجازه نمی‌دهند که آتش از محیط خانه خارج شود و اگر کسی بعد از غروب آفتاب به قصد تهیه آتش نزد همسایه برود، دست‌خالی بر می‌گردد؛ زیرا «معتقدند آتش به‌عنوان بخشی از حیات و زندگی این خانواده در تیرگی شب مورد تازش نیروهای اهریمنی واقع می‌گردد» (کدهای ۳، ۹، ۱۵، ۱۲). آنان «تیرگی را مظهر اهریمن می‌دانند و نیز خاموشی آتش را گناهی نابخشودنی قلمداد می‌کنند، به‌ویژه معتقدند که آتش را نباید با آب خاموش کرد؛ زیرا معتقدند که دو عنصر برگرفته از نور نباید به ستیز برخیزند» (کد ۲۰، ۲۱)

«او به چاله ریز»

ãwe be chaleh riz

برگردان: «آب درون چاله (اجاق) ریختن».

فردی خاطی و نالایق بوده که نوعی گسست و ناتوانی در عملکرد او بوده است (کدهای ۹، ۱۰، ۱۹).

همچنین، از آنجا که آتش نماد و تجسم خانواده محسوب می‌شود در بین بختیاری‌ها مردها به منزلهٔ سمبل و نشان هر خانواده به‌شمار می‌آیند و اگر مردی صاحب پسر نمی‌شود او را «اجاق‌کور» می‌گویند (کدهای ۸، ۱۱، ۱۴، ۲۱)؛ زیرا معتقدند که مردها عامل برپادارندهٔ آتش در خانواده هستند و فردی که فاقد فرزند پسر باشد، آتش در خانواده‌اش پایدار نخواهد ماند. در مصاحبه با چند تن از مردم بختیاری چنین دریافتیم که به نظر می‌رسد که واژهٔ دودمان نیز برگرفته از همین اصل باشد؛ یعنی دودی که از آتش خانه بر می‌خیزد. همچنین، در طبقه‌بندی طایفه‌ای هر طایفه به چند «تش» تقسیم می‌شود؛ یعنی هر پسری که ازدواج می‌کند صاحب آتشی اختصاصی بوده و به طبع آن تکثر خاندان و عامل شناسهٔ هر خاندان بوده است و هر فامیل را به یک «تش» منتسب می‌نمایند (ر.ک: قنبری‌عدیوی، ۱۳۹۱: ۳۹). همان‌گونه که در ایران باستان نیز آتش نماد تقسیم قدرت و وابستگی خانوادگی بوده است.

دوم. کارکرد منفی آتش در بختیاری بدین گونه است که هرگاه می‌خواهند فردی را نفرین کنند گاهی می‌گویند:

«تش به جونت بیفته»

Tāč be jonet beyofte

برگردان: «نیست و نابود شوی».

و یا «تش به هونت بیفته»

Tāč be hoonat beyofte

برگردان: «آتش به خانه‌ات بیفتد و از هستی ساقط شوی».

در این نفرین‌ها به‌خوبی بر کارکرد مخرب و ویرانگر آتش اشاره شده است و نیز هرگاه فردی دچار مصیبت می‌شود و عزیزی را از دست می‌دهد، می‌گوید:

«تش وست به جونم»

Tāč vaste be junom

برگردان: «آتش به جانم افتاد».

و یا اگر فرد دچار ضرر و زیان مادی می‌شود، می‌گوید:

«تش وست به هونم»

Tāč tash vaste be hoonam

برگردان: «آتش به خانه‌ام افتاد».

پژوهشی درباره آیین سوگند خوردن (وَر) در قوم بختیاری \_\_\_\_\_ علیرضا خواجه‌گیر و همکاران

همچنین، هرگاه فردی دچار مشغله فکری و گرفتاری شدید می‌شود در اصطلاح می‌گویند: «تش مینه سَرَس ايسوسه

Tāč mene sares esose

برگردان: «آتش در سرش می‌سوزد».

از سوی دیگر، بختیاری‌ها قائل به ویژگی اهریمن‌ستیزی آتش نیز هستند و معتقدند که آتش افروختن سبب گریختن نیروهای اهریمنی از فضایی که آتش در آن افروخته شود، می‌شود؛ از جمله مظاهر این باور برافروختن آتش هنگام زایمان زنان است که معتقدند آتش هرگونه پلیدی و نیروهای اهریمنی را از مادر و کودکش دور نگه می‌دارد (کد ۹).

در *اوستا* نیز در یشت نوزدهم، اشاره به پیکار ایزد آذر با دیوان شده است و بختیاری‌ها نیز به این وجه آتش اعتقاد دارند و این باور اهریمن‌ستیزی آتش در مثل‌ها وارد شده و برای مثال، بختیاری‌ها در رویارویی با شرایط بحرانی که باید به خود توجه داشته باشند، می‌گویند:

«تش واکنیم پری نزنمون»

Tāč vākonim pary nazanemoon

برگردان: «آتش برافروزم تا اهریمن به ما صدمه نزند یا در پناه آتش باشیم در برابر پیشامدهای منفی».

بختیاری‌ها معتقدند که آتش را نباید آلوده نمود و چیزهای ناپاک در آتش انداخت و هرگز نباید به حریم و حرمت آتش توهین شود (کد ۷). نقش دیگر آتش در مراسم سوگند و آزمون ایزدی نمودار می‌شود که در ایران باستان به‌منزله نماد پاک‌سازی به آن توجه شده است (ستاری، ۱۳۷۳: ۴۶). آزمون آتش با هدف تشخیص حق از باطل انجام می‌گرفت و «احتمالاً یک سنت ماقبل زرتشتی برای اثبات بی‌گناهی بوده است» (کرتیس، ۱۳۹۰: ۵۱).

سوگند به آتش در بختیاری‌ها سابقه‌ای طولانی دارد و به‌نوعی به ایران باستان ختم می‌شود. بختیاری‌ها به آتش به‌منزله یک نماد مقدس می‌نگرند تا جایی که به آن سوگند یاد می‌کنند مثلاً می‌گویند:

«به ئی تش قسم»

Be ēi Tāč ghasam

برگردان: «به این آتش قسم».

و نیز هرگاه فردی مظنون به خطا و اشتباهی می‌شد و یا در مظان اتهام قرار می‌گیرد او را به ادای سوگند در برابر مقدسات و ادار به سوگند می‌کنند و یکی از این مقدسات آتش است و جالب اینکه فرد اگر گناهکار باشد، هرگز راضی نمی‌شود به دروغ سوگند به آتش یاد نماید؛ چون معتقدند سوگند دروغ به آتش تاوان جبران‌ناپذیری دارد (کد ۲). در ایران باستان نیز برای اثبات بی‌گناهی از وَرِ گرم استفاده می‌شد بدین گونه که برای اثبات بی‌گناهی هر فرد باید از آتش عبور نماید اگر به وی صدمه‌هایی وارد نمی‌شد او بری از خطا بوده است و چنانچه آتش در وی اثر می‌نمود به معنای خطاکار بودن فرد مورد امتحان بود. بارزترین جلوه آیین دادرسی با آتش در ادبیات ایران زمین، معمولاً با گذر سیاوش از آتش در شاهنامه شناخته می‌شود (ر.ک: فردوسی، ۱۳۹۳: ۱/ ۳۲۱ - ۳۲۵). «داستانی که هر چند در شاهنامه و در سده چهارم ه.ق. شکل می‌گیرد؛ اما به دوران پیشازرتشتی تعلق دارد» (زاویه و مافی تبار، ۱۳۹۲: ۱۰۹). احترام به اجاق آتش در نزد این قوم اهمیت بسیار دارد، به گونه‌ای که هرگز آب در درون اجاق نمی‌ریزند و به آن سوگند می‌خورند:

«به تش و چاله هونت قسم»

Be Tāčo čāle hōnat ghasam

برگردان: «به اجاق آتش خونهات سوگند».

آن‌ها حتی بر روی زغال‌های روشن نیز آب نمی‌ریزند.

#### ۴ - ۳. سوگند خوردن به آب روان

در ایران باستان آب همانند آتش، خورشید، ماه، درخت و سایر نمودهای طبیعی دارای جایگاه و قداستی ویژه است. سوگند به آب در نزد بختیاری‌ها، به این دلیل است که آب خاصیت تطهیرکنندگی دارد و تمیزدهنده گناه از بی‌گناهی است. نگاه بختیاری‌ها به آب همچون سایر عناصر طبیعی، نگاهی قدسی و معنوی است تا جایی که به منزله منبعی قدسی به آن سوگند می‌خورند و نیز آلودن آن را به ناپاکی‌ها گناهی نابخششودی می‌شمارند. از سوی دیگر، علاوه بر ماهیت اصلی آب - که منشأ حیات است - برخی نمادهای دیگر نیز همچون باران و چشمه هر کدام به فراخور حال خود دارای ارزش و

پژوهشی درباره آیین سوگند خوردن (وَر) در قوم بختیاری \_\_\_\_\_ علیرضا خواجه گیر و همکاران

قداستی معنوی هستند که به واسطه حضور آب و نقش غیرقابل آن در این نمادها و نزد بختیاری‌ها جایگاه ویژه‌ای دارند. از مهم‌ترین نمودهای ادبی سوگند به آب نزد قوم بختیاری می‌توان به مواردی که آورده می‌شود، اشاره کرد:

«به ای اوو روون قسم»

Be ei äwo ravōn ghasam

برگردان: «به این آب روان سوگند».

«به ای اوو روون بی فاطمه زهرا(س)»

Be ei äwo ravōn bi fatemeh zahra

برگردان: «به این آب روان که متعلق به فاطمه زهرا(س) است، سوگند می‌خورم».

آناهیتا، ایزدانوی آب، باران، باروری و برکت‌دهنده چشمه‌ها و نهرها در مذهب ایران باستان است (هینلز، ۱۳۹۳: ۷۹). با ورود اسلام به ایران، نقش الهه بودن و آسمانی بودن آناهیتا به حضرت زهرا(س) دگرذیسی پیدا می‌کند و آب مهریه حضرت زهرا(س) در نزد شیعیان ایران زمین می‌شود. به همین دلیل نزد قوم بختیاری به آبی سوگند می‌خورند که متعلق به حضرت زهرا(س) است.

#### ۴ - ۴. سوگند خوردن به آفتاب و ماه

یکی از مظاهر طبیعی که نقشی ویژه و ممتاز در باور بختیاری‌ها دارد، آفتاب است. در بختیاری‌ها رسم بر آن بوده است که به هنگام طلوع آفتاب نیایشی رمزآلود با خورشید داشته باشند.

با طلوع خورشید دستی به آسمان کشیده و سپس بر صورت خود می‌کشند تا از پاک‌ی و انرژی خورشید بهره‌مند شوند. بختیاری‌ها معتقدند که این نیایش و سایر نیایش‌ها هر کدام وظیفه‌ای خاص در بهبودی زیست آفریدگان خالق مطلق دارد (کد ۱۲).

آنگاه که خورشید از پس کوه سر به در می‌آورد، این مردمان ساده و بی‌آلایش نیایش خود را آغاز می‌کردند. در ایران باستان نیز این شکل نیایش حیاتی چشمگیر داشته است (ر.ک: هینلز، ۱۳۹۳: ۵۹).

در کتاب *خرده اوستا*، از جمله نیایش‌ها به پنج نیایش برای پنج ایزد بزرگ اشاره شده است که در این میان خورشید نخستین ایزدی است که بر آن درود فرستاده می‌شود. در بین بختیاری‌ها رسم بر این است به واسطه قداستی که آفتاب در نزدشان دارد، بدان سوگند یاد می‌کنند. از مهم‌ترین نمودهای ادبی سوگند به آفتاب در نزد قوم بختیاری می‌توان به مواردی که آورده می‌شود، اشاره کرد:

«به همی تیغه افتو قسم»

Be hami tighayeh aftō ghasam

برگردان: «به همین تیغه آفتاب قسم».

«به ای نور تجلی قسم»

Be ei noore tajali ghasam

برگردان: «به تجلی نور خورشید قسم».

«به ای نور پاک قسم»

Be ei noore pak ghasam

برگردان: «به این نور پاک قسم».

«به ای نور خورشید قسم»

Be ei noore khorshid ghasam

برگردان: «به نور خورشید قسم».

«به ای تیشه روز منور»

Be ei tishayeh rooz monavar

برگردان: به این تیشه، سلاح روز پرنور قسم».

نزد عشایر بختیاری، هرگاه فردی به گاه غروب آفتاب و شب وفات می‌یافت خروسی را بالای سر متوفی می‌بستند که این امر به واسطه نقش خروس به منزله روان جاودانه خورشید بوده است تا به این واسطه اهریمن تیرگی بر روان فرد متوفی صدمه‌ای وارد ننماید (کد ۱۹). اگر چه شاید امروزه خیلی از بختیاری‌ها دلیل این کار را نمی‌دانند؛ اما هنوز که هنوز است بدان معتقد هستند.

علاوه بر آفتاب، ماه عنصر دیگری است که بختیاری‌ها بدان سوگند می‌خورند. سوگند به ماه نزد این قوم معمولاً شب‌هنگام اتفاق می‌افتد. از مهم‌ترین نمودهای این نوع سوگند می‌توان به مواردی که آورده می‌شود، اشاره کرد:

«به ای ماه عزیز کرده خدا»

Be ei mah aziz kardayeh khoda

پژوهشی درباره آیین سوگند خوردن (وَر) در قوم بختیاری \_\_\_\_\_ علیرضا خواجه گیر و همکاران

برگردان: «به این ماه عزیز شده خدا سوگند می خورم».

#### ۴ - ۵. سوگند خوردن به زمان

زمان نزد قوم بختیاری بسیار مهم است و هرگونه نفرین یا دشنام به آن عواقب بسیار سختی دارد. اهمیت زمان در نزد این قوم سبب شده است تا آنان به آن سوگند بخورند و متناسب با زمان خاص به لحظات آن سوگند می خورند. در هنگام صبح معمولاً به این لحظه از زمان سوگند می خورند:

«به ای صبح پاک قسم»

Be ei sobeh pak ghasam

برگردان: «به این صبح پاک سوگند می خورم».

در هنگام ظهر سوگند خوردن چنین است:

«به دل ظهر قسم»

Be dele zohr ghasam

برگردان: «به دل ظهر سوگند می خورم».

و در شب نیز:

«به حق ای شو خسه منده»

Be haghe show khasah mandah

برگردان: «به حق این شب خسته شده سوگند می خورم».

یا:

«به ای شو عزیز کرده خدا»

Be ei show aziz kardayeh khoda

برگردان: «به این شب عزیز شده خدا سوگند می خورم».

معمولاً بیشتر سوگند خوردن به زمان در نزد این قوم در روز اتفاق می افتد؛ نخست اینکه آنان در روز بیشتر به فعالیت و کار می پردازند و روز را نماد الهی و پاکی می دانند و دوم، علاوه بر نماد پاکی، معتقدند که روز شفاف و روشن است و فعالیت در آن نیز سرشار از رحمت الهی است (کدهای ۱، ۹، ۱۰). به همین دلیل سوگند خوردن به روز روشن در نزد آنان بسامد بالایی دارد:

«به ای روز پاک قسم»

Be ei rooz pak ghasam

برگردان: «به این روز پاک سوگند می خورم».  
نکته مهم این است که سوگند به زمان بیشتر نزد زنان رایج است و معمولاً برای رفع اتهام‌هایی همچون دروغ‌گویی، غیبت، تهمت و شبیه این‌هاست.

#### ۴ - ۶. سوگند خوردن به نان و نمک

نمودی دیگر از سوگند خوردن در نزد قوم بختیاری، سوگند به نان و نمک است. چنین سوگندی زمانی است که اگر شخصی گناهی را مرتکب شود (مدعی)، برای اثبات آن باید به نان و نمکی که از آن شخص خورده است (مدعی‌علیه) سوگند بخورد:  
«به ای نون و نمکی که با هم خوردیم»

Be ei nononamaki keh ba ham khardim

برگردان: «به این نان و نمکی که با هم خوردیم، سوگند می خورم».  
و معتقدند که اگر شخص گناهکار سوگند دروغ بخورد، نان و نمک او را کور و خانه‌اش را ویران می‌کند. به همین دلیل، آنان بسیار سخت و در مواردی نادر تن به چنین کاری می‌دهند (همه کدها).

#### ۴ - ۷. سوگند خوردن به جان عزیزان و اموات

سوگند خوردن به جان عزیزان و اموات، نمودی چشمگیر و به‌خصوص در نزد زنان بختیاری دارد. همچنین، در هنگام معامله و برای نشان دادن صداقت کار به جان عزیزان یا اموات خود سوگند می‌خورد. البته، سوگند به جان عزیزان رایج‌تر از سوگند خوردن به اموات است. سوگند به جان فرزند و دایی بزرگ‌تر از سوی مادر خانه و سوگند به جان فرزندان از سوی پدر خانه انجام می‌گیرد (کد ۱۱، ۱۲). سوگند به روح اموات و به‌خصوص بزرگ‌خاندان یا شهید بیشتر از سوی زنان انجام می‌گیرد. آن‌ها با توجه به آیه ۱۶۹ سوره آل عمران<sup>۱</sup>، معتقدند که شهیدان همیشه زنده‌اند و در قیامت شفاعت آنان را می‌کنند، به همین دلیل به‌ندرت و بیشتر در مواقعی که معتقدند گفتارشان کاملاً صحیح است، به روح شهید سوگند می‌خورند.



#### ۴ - ۸. سوگند گل به گردن ریختن

معمولاً چنین سوگندی هنگامی اتفاق می افتد که دو طرف دعوا می خواهند صحت و درستی گفتار خویش را هنگام جابه جایی «سنگ سامون» اثبات کنند (کدهای ۱۵،۹،۸). «سنگ سامون» سنگی است که میان زمین های تقسیم شده گذاشته می شود و حدود مرز زمین ها را مشخص می کند. اگر چنین سنگی از سوی هر یک از مالکان زمین جابه جا شود، نزاع و درگیری را در پی دارد؛ زیرا زمین در نزد این قوم دارای اهمیت بسیار بالایی است و تقریباً آن را مساوی با ناموس (زن) می دانند (کدهای ۱۵،۹). دلیل این مساوی دانستن زن و زمین را می توان در عنصر زاینده گی و برکت بخشی جست و جو کرد. از آنجا که بنیان کشاورزی، زمین است، بدیهی است که زن و زمین با هم پیوند می یابند. زن همچون زمین زاینده است و این باور بنیادین که مادر، نماد زمین است در سراسر گیتی رواج داشته است (ر.ک: الیاده، ۱۳۷۲: ۲۴۲). معمولاً در پنجاهای پیرزنان به جوانان، از جمله این پند که دو چیز برای برکت می آورد، یکی زن و دیگری زمین؛ زاینده گی و برکت را می توان مشاهده کرد.

آن ها برای درستی حدود مرز خود ابتدا به سوگند خوردن به آتش، آب روان، جان عزیزان، اموات و... متوسل می شوند و در صورت حل نشدن قضیه، یکی از همسایگان مالک را که زمینش در نزدیکی آنهاست، به منزله میانجی می پذیرند تا سنگ را به درستی سر جای خود قرار دهند. اگر یکی از دو طرف دعوا، همسایه را هم قبول نداشته باشد، به شخص مدعی تقاضا می شود که مقداری خاک بر گردن خود بریزد و بگوید:

«خاک قیومت و گردنم که سامون اینجونه»

Khake ghiyoumat va gardanom ke samoon enjoneh

برگردان: «خاک قیامت را به گردنم می گیرم که سنگ سامون اینجاست».

اگر وی چنین کند، گفتار او را می پذیرند و سنگ را همان جا می گذارند و عمل سوگند خوردن نیز پذیرفته می شود. در مصاحبه با چند تن از مردم بختیاری مشاهده شده که یکی از همسایگان بدین طریق زمین دیگری را صاحب شده است و به دلیل سوگند دروغ دیگر در آن زمین هیچ گیاهی رشد نکرد و همیشه دچار علف های هرز و یا آفات دیگر شده است. آنان معتقدند که خداوند برکت را از آن زمین برداشته است

(کدهای ۲، ۳، ۱۲). به همین دلیل امروزه به‌سختی قبول می‌کنند که خاک به گردن خود بریزند مگر اینکه بر صحت گفتار خویش اعتماد کامل داشته باشند.

##### ۵. نتیجه

پس از جمع‌آوری و بررسی داده‌های کتابخانه‌ای و میدانی و همچنین، بررسی منابع گوناگون می‌توان چنین گفت که اهمیت سوگند خوردن در نزد قوم بختیاری، آخرین راهکار برای اثبات درستی کلام و تشخیص درستکار از نادرستکار است. سوگند به آتش، اجاق آتش، تیغه آفتاب، آب روان، نان و نمک، زمان، جان عزیزان، اموات، گل به گردن ریختن و آزمون لقمه‌گیر از مهم‌ترین جلوه‌های سوگند خوردن در نزد قوم بختیاری است که سوگند به زمان (روز روشن)، جان عزیزان و اموات، آتش، آب روان و نان و نمک نمودی چشمگیر و جنبه‌های ادبی بسیار دارند. همچنین، سوگند به آب روان، آتش، آفتاب، زمان و آیین لقمه‌گیر نمودی اساطیری دارند که می‌توان ردپای آنان را در شاهنامه و نیز در اوستا مشاهده کرد.

جدول ۱: مقوله‌ها و کدهای استخراج‌شده از مصاحبه‌ها

کدهای مرتبط	نمونه مقوله‌های استخراج‌شده از مصاحبه‌ها	مؤلفه‌های انتخاب‌شده پژوهش
۷، ۱ ۱۳، ۱۱ ۷، ۱	۱. «کلکله برد»؛ شخصی میزانی هیزم در کوه جمع می‌کند، تعداد هفت‌سنگ از بزرگ به کوچک بر روی آنها می‌گذارد و این مال را به یکی از امامان یا امامزاده‌ها واگذار می‌کند. ۲. هرگونه تجاوز به سوگند فوق‌عذابی سخت برای آنان به همراه دارد. ۳. سوگند «کلکله برد» بیشتر به امامزاده‌هایی که قبرشان در محل زندگی آنان است.	آیین سوگند خوردن به قرآن کریم و مقدسات
۹، ۳ ۱۵، ۱۲	۱. در شب اجازه نمی‌دهند که آتش از محیط خانه خارج شود؛ زیرا معتقدند آتش به‌منزله بخشی از حیات و زندگی این خانواده در تیرگی شب مورد تازش نیروهای اهریمنی واقع می‌شود.	آیین سوگند به آتش و اجاق آن

۲۱،۱۸	۲. خاموشی آتش را گناهی نابخشودنی قلمداد می‌کنند، به‌ویژه معتقدند که آتش را نباید با آب خاموش کرد؛ زیرا معتقدند که دو عنصر برگرفته از نور نباید به ستیز برخیزند.	
۱۹،۱۰،۹	۳. «آو به چاله ریز»، «آب درون چاله (اجاق) ریختن» فردی خاطی و نالایق بوده که نوعی گسست و ناتوانی در عملکرد او بوده است.	
۲۱،۱۴،۱	۴. بین بختیاری‌ها مردها به‌منزله سمبل و نشان هر خانواده به‌شمار می‌آیند و اگر مردی صاحب پسر نمی‌شود او را «اجاق‌کور» می‌گویند.	
۸، ۱	۵. بختیاری‌ها معتقدند که آتش را نباید آلوده کرد و چیزهای ناپاک در آتش انداخت و هرگز نباید به حریم و حرمت آتش توهین شود.	
۷	۶. معتقدند سوگند دروغ به آتش تاوان جبران‌ناپذیری دارد.	
۱۹،۶،۵،۴	۱. نزد عشایر بختیاری هرگاه فردی به گاه غروب آفتاب و شب وفات می‌یافت خروسی را بالای سر متوفی می‌بستند که این امر به‌واسطه نقش خروس به‌منزله روان جاودانه خورشید بوده تا به این واسطه اهریمن تیرگی بر روان فرد متوفی صدمه‌ای وارد نکند.	آیین سوگند خوردن به آفتاب و ماه
۱۰،۹،۱	۱. بیشتر سوگند خوردن به زمان در نزد این قوم در روز اتفاق می‌افتد.	آیین سوگند خوردن به زمان
۱۰،۹	۲. آنان در روز بیشتر به فعالیت و کار می‌پردازند و روز را نماد الهی و پاکی می‌دانند و دوم، علاوه بر نماد پاکی، معتقدند که روز شفاف و واضح است و فعالیت در آن نیز سرشار از رحمت الهی است.	
۱۵،۹،۸	۱. چنین سوگندی هنگامی اتفاق می‌افتد که دو طرف دعوا می‌خواهند درستی گفتار خود را هنگام جابه‌جایی «سنگ سامون» اثبات کنند.	آیین سوگند گِل به گردن ریختن
۱۵، ۹	۲. اگر چنین سنگی از سوی هر یک از مالکان زمین جابه‌جا شود، نزاع و درگیری را در پی دارد؛ زیرا زمین نزد این قوم دارای اهمیت بسیار بالایی است و تقریباً آن را مساوی با ناموس (زن) می‌دانند.	
۲۰		

### پی‌نوشت‌ها

۱. همپتکاران به معنای طرفین دعواست و پیشمار و پسمار، مدعی و مدعی‌علیه هستند (ر.ک: پورداوود، ۱۳۲۱: ۲۸۷).
۲. «وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصَلِّحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (بقره/۲: ۲۴۴).

### منابع

#### الف) منابع کتابخانه‌ای

- قرآن کریم.
- اوستا (۱۳۹۲). گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه. تهران: مروارید.
- ونیداد (۱۳۷۶). ج ۱ (مقدمه فرگردهای ۱ - ۴). ترجمه، واژه‌نامه و یادداشت‌ها از هاشم رضی. تهران: فکر روز.
- الیاده، میرچا (۱۳۷۲). رساله در تاریخ ادیان. ترجمه جلال ستاری. تهران: سروش.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۸۸). مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بختیاری، علیقلی‌خان و عبدالحسین لسان‌السلطنه سپهر (۱۳۶۲). تاریخ بختیاری. تهران: اساطیر.
- پورداوود، ابراهیم (۱۳۲۱). «سوگند». مهر ایران. س ۷. ش ۵ و ۶. صص ۲۸۱ - ۲۹۲.
- تاراپور، والا (۱۳۶۰). «محاکمه و داوری ور در ایران باستان». ترجمه هاشم رضی. چیستا. ش ۵. صص ۵۵۴ - ۵۷۵.
- جهان‌دیده، عبدالغفور (۱۳۹۶). «پژوهشی درباره آیین ور در بلوچستان». فرهنگ و ادبیات عامه. س ۵. ش ۱۶. صص ۱۹ - ۳۸.
- حیدری، دریا (۱۳۹۲). «سوگند در شاهنامه و ارتباط اساطیری آن با آب و آتش». پژوهش‌نامه ادب حماسی. س ۹. ش ۱۶. صص ۳۵ - ۶۱.
- رهبر، علی (۱۳۴۸). «سوگند و ردپای آن در ادبیات پارسی». کاوه. ش ۲۱. صص ۱۲۴ - ۱۳۵.
- زاویه، سعید و آمنه مافی‌تبار (۱۳۹۲). «بررسی آیین‌های اساطیری داوری ایزدی در ایران باستان». ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی. س ۹. ش ۳۰. صص ۱۰۱ - ۱۲۸.

پژوهشی درباره آیین سوگند خوردن (وَر) در قوم بختیاری \_\_\_\_\_ علیرضا خواجه‌گیر و همکاران

- ستاری، جلال (۱۳۷۳). رمز و مثل در روان‌کاوی. تهران: توس.
- صادقی فسایی، سهیلا و ایمان عرفان‌منش (۱۳۹۴). «مبانی روش‌شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی». راهبرد فرهنگ. ش ۲۹. صص ۶۱ - ۹۱.
- عفیفی، رحیم (۱۳۷۴). اساطیر و فرهنگ ایران در نوشته‌های پهلوی. تهران: توس.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۹۳). شاهنامه. ج ۱. پیرایش جلال خالقی مطلق. تهران: سخن.
- قنبری عدیوی، عباس (۱۳۸۱). امثال و حکم بختیاری. شهرکرد: ایل.
- قنبری عدیوی، عباس (۱۳۹۱). فولکلور مردم بختیاری. شهرکرد: نیوشه.
- کرتیس، وستا سرخوش (۱۳۹۰). اسطوره‌های ایرانی. ترجمه عباس مخبر. تهران: مرکز.
- گال، مردیت و همکاران (۱۳۸۶). روش‌های تحقیق کمی و کیفی. ترجمه احمدرضا نصر اصفهانی. تهران: سمت.
- معین، محمد (۱۳۸۴). مزدیسنا و ادب فارسی. تهران: دانشگاه تهران.
- ویدن‌گرن، گئو (۱۳۷۷). دین‌های ایرانی. ترجمه منوچهر هوشنگ. تهران: آگاهان ایده.
- هینلز، جان‌راسل (۱۳۹۳). شناخت اساطیر ایران. ترجمه محمدحسین باجلان فرخی. تهران: اساطیر.

#### ب) منابع میدانی (مصاحبه‌شوندگان)

- حاجی‌پور، البرز. ۵۶ ساله. خوزستان. مسجد سلیمان. روستای چهاربیشه. کد ۴.
- سروستانی، عباس. ۷۴ ساله. خوزستان. باغ‌ملک. روستای آب‌گندو. کد ۶.
- فتحی، عبدالله. ۶۳ ساله. چهارمحال و بختیاری. میانکوه فلارد. روستای سپیدار. کد ۱۲.
- قاسمی سپاس، سوارعلی. ۷۰ ساله. چهارمحال و بختیاری. اردل. روستای گله‌شور. کد ۱۹.
- کاظمی، صفرعلی. ۷۰ ساله. خوزستان. مسجد سلیمان. اندیکا. روستای چهره‌و. کد ۲۱.
- کیانی، خان‌علی، ۵۵ ساله. چهارمحال و بختیاری. اردل. روستای شلیل. کد ۱۸.
- موسایی، رستم. ۷۵ ساله. چهارمحال و بختیاری. کوهرنگ. بازفت. موچان. کد ۱۷.
- موسوی نظری، سید رمضان. ۷۶ ساله. خوزستان. ایذه. روستای چم‌ریحان. کد ۱۴.
- مؤمنی، فرج‌الله. ۶۵ ساله. چهارمحال و بختیاری. اردل. روستای لندی. کد ۹.
- صالحی، کشواد. ۶۹ ساله. چهارمحال و بختیاری. فلارد. پشتکوه فلارد. روستای خرپشته. کد ۱۱.
- قربانی، صفدر. ۷۳ ساله. چهارمحال و بختیاری. فلارد. میانکوه فلارد. روستای گنداب. کد ۳.
- بیژنی، خداداد. ۶۹ ساله. چهارمحال و بختیاری. فلارد. روستای خُنگ. کد ۲.

- موسوی، سیامک. ۶۵ ساله. چهارمحال و بختیاری. لردگان. روستای بیدله. کد ۷.
- قاسمی سپاس، گودرز. ۷۲ ساله. چهارمحال و بختیاری. اردل. سرخون. روستای سرمور. کد ۱۵.
- بمانی، برزو. ۷۰ ساله. خوزستان. ایذه. روستای تاشار. کد ۸.
- ظفری، زامیاد. ۷۳ ساله. خوزستان. ایذه. روستای دره اشگفت. کد ۱.
- شیرانی، راه‌خدا. ۶۵ ساله. خوزستان. باغ‌ملک. روستای رودزیر. کد ۵.
- شیرانی، مهدی. ۷۹ ساله. چهارمحال و بختیاری. اردل. روستای ریگک. کد ۱۰.
- سپاس، زریر. ۷۵ ساله. خوزستان. باغ‌ملک. روستای تنگ پلنگی. کد ۱۶.
- سپاس، زریر. ۷۵ ساله. خوزستان. مسجد سلیمان. روستای چشمه زالوک. کد ۱۳.
- کریمی، رضا. ۶۳ ساله. چهارمحال و بختیاری. کوه‌رنگ. بازفت. روستای دره هندو. کد ۲۰.



## A Study on the Ritual of Oath Taking in Bakhtiari

Alireza Khajeh Gir<sup>1</sup>\* Mohsen Ganji<sup>2</sup> Hassan Zolfaghari<sup>3</sup>  
Mahmoud Aghakhani Bijan<sup>4</sup>

1. Assistant Professor of Religions and Comparative Mystics, Shahrekord University.
2. MA Student of Contemporary Literature, Shahrekord University.
3. Associate Professor of Persian Language and Literature, Tarbiat Modares University of Tehran.
4. Phd in Epic Literature, Isfahan University

Received: 23/12/2019

Accepted: 26/01/2020

### Abstract

The oath has long been manifested in culture and literature in a variety of ways. In this study, the patterns of swearing in Bakhtiari people is analyzed. Oaths of fire, fire stoves, blades of sun, running water, bread, nuns, temples, devotees, underworlds, and thugs are the most important examples of swearing among the people of Bakhtiari. The importance of taking an oath to this people is the last way to prove the truth of the word and to distinguish the righteous from the wrongdoer. In this study, while studying the types of oaths in Bakhtiari people, the literary characters and their mythological aspects are investigated as well. This research is fundamentally based on the field-based library study and qualitative content analysis. After examining various sources and analyzing the literary and mythological aspects of swearing among the Bakhtiari people, it can be said that the ritual is a remnant of the same ritual in ancient Iran. Also, the oaths of fire, bread and salt, time, running water, sun and souls of the beloved ones are among the most important and common manifestations of oath taking among these people that have many literary and mythological aspects. The function of oath is to prove the truth of the word and recognize the true from false.

**Keywords:** Popular culture; Bakhtiari tribe; mythological themes; Var ritual; oath taking.

---

\*Corresponding Author's E-mail: a.khajegir1350@gmail.com

